

فیش منبر؛ کار باید برای خدا باشد

ویژه ایام فاطمیه

حضرت زهرا سلام الله علیها در روایتی می‌فرمایند: **مَنْ اصْعَدَ لِيَ اللّٰهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، اَهْبَطَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ اَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ**^۱.

ترجمه: هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و برکات خود را برای او تقدیر می‌نماید.

رابطه میان آسمان و زمین، رابطه‌ای دو طرفه است که حالت بده بستان دارد. این رابطه، هم در عالم ماده برقرار است و هم در عالم معنویت. مثلاً در عالم ماده، اگر انسان، درختان را از بین ببرد، جذب ابر و بارش باران کم می‌شود. در عالم معنا نیز چنین رابطه‌ای برقرار است. اگر انسان در زندگی خود نسبت به حضرت حق تقوا بورزد و تقوای خود را روانه عالم لاهوت کند، خداوند دریچه‌های رزق را بر او می‌گشاید؛ «و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب» (طلاق / آیه ۲ و ۳) محل نزول رزق از آسمان است؛ «و فی السماء رزقکم» اگر انسان تقوا پیشه کند رزق او از آسمان نازل می‌شود، از جایی که حساب آن را نمی‌کند. مقصود از سماء، جهت علو و بالاست که هم شامل آسمان ظاهر می‌شود و هم آسمان باطن.

یکی دیگر از اموری که داد و ستد با خداوند است، اعطای جان و مال در راه اوست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ» (توبه / ۱۱۱) جالب این که در این آیه و آیاتی دیگر، صحبت از خریدن توسط خداست. خداوند جان و مال مؤمنین را می‌خرد و در مقابل آن، بهشت را به آنها اعطا می‌کند. خلاصه این که زندگی مؤمن، دائماً به شکل داد و ستد با خداوند متعال و عالم غیب است.

یکی از اموری که انسان می‌تواند به داد و ستد آن با عالم معنا بپردازد، اخلاص است. انسانی که عبادت خالصانه خود را به سوی آسمان معنا و به سوی خداوند بفرستد، خداوند بهترین مصلحت‌های خود را برای او رقم می‌زند. اخلاص یعنی این که انسان در عبادات خود، غیر خدا را شریک نگرداند؛ انتظار نداشته باشد

^۱ بحارالانوار: ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵

که به خاطر عبادتش او را تمجید کنند، انتظار نداشته باشد که به خاطر عبادتش از او ذکری به میان آید.^۲ یکی از نشانه های اخلاص در عبادت این است که انسان توجه کند که آیا عبادت او در حضور جمع، همان گونه ای است که در خلوت است. اگر در حضور جمع، نماز خود را با غلظت و آب و تاب بیشتری می خواند و بر کیفیت آن می افزاید و به بدن خود، انحنای بیشتری می دهد چنین فردی نه تنها اخلاص ندارد، بلکه مشرکی بیش نیست و این بسیار خطرناک است. اگر فردی انتظار دارد به خاطر عبادتش او را تمجید کنند، این شرک و بسیار خطرناک است. چنین فردی خسر الدنیا و الآخره است؛ زیرا در دنیا که وقت خود را به عبادت گذرانده و از بسیاری از خوشی های دنیا محروم مانده و در آخرت هم هیچ نصیبی نخواهد داشت و با سراب مواجه است؛ زیرا او رب های غیر حقیقی را پرستیده و گمان کرده تمجید آنها چیزی بر او می افزاید و در قیامت می فهمد که اینها هیچ آثاری از خود ندارند؛ «لا مؤثر فی الوجود إلاً الله» بنابراین دست او خالی خواهد بود.

اما کسی که در عبادت خود اخلاص می ورزد بدون این که بفهمد، خداوند بهترین مصلحت های خود را برای او رقم می زند. او به دنبال چیزی برای راحتی و خوشی خودش است، اما خداوند مصلحت او را در چیزی بالاتر می داند و «من حیث لا یحتسب» آن را برای او رقم می زند. می خواهد به کاری دست بزند، اما خداوند می داند که آن کار، او را به سوی هلاکت می برد و او را به طریقی منصرف می کند.

خلاصه این که بنده مؤمن با اخلاص ورزیدن در حال معامله با خداست. عبادت خالصانه خود را به محضر حضرت حق تقدیم می نماید و در عوض، حق تعالی امور وی را رتق و فتق می کند و او را به سوی بهترین مصلحتها سوق می دهد.

اخلاص البته نتایج گرانسنگ دیگری نیز دارد. در روایت آمده که «من اخلص لله اربعین صباحا ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه»^۳ هر کس چهل صباح، خود را برای خداوند خالص گرداند چشمه های حکمت از قلب او بر زبانش جاری می شود. همچنین در روایت مشابهی آمده که: «ما أخلص عبد الإیمان بالله أربعین صباحاً إلا زهده فی الدنیا و بصره داءها و دواءها و أثبت الحکمة فی قلبه و أنطق بها لسانه» هیچ بنده ای ایمان به خدا را به مدت چهل صباح خالص نمی کند، مگر این که خداوند او را از دنیا جدا می کند و درد و

^۲ شرح فارسی شهاب الأخبار، جلد ۱، صفحه ۱۹۲

دوای او را به او می‌نمایاند و حکمت را در قلب او تثبیت می‌کند و زبان او را به حکمت، باز می‌کند.^۴ واضح است که منظور از چهل صباح، چهل شبانه روز است، نه چهل صبح.

^۴ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، جلد ۵۳ ، صفحه ۳۲۵